

## در خصوص سالمندان

### دکتر لطف‌اله ضیائی<sup>۱</sup>

پیری بخشی از دوران زندگی هر فرد بشری، در حقیقت هر موجود بیولوژیکی است. اگر تا اوایل قرن حاضر فقط عده معدودی از جمعیت از عمر طولانی که آرزوی همه افراد بشر بود بهره‌مند می‌شدند، اکنون با افزایش امید به زندگی در بدو تولد که خود حاصل پیشرفت در علم پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی و سایر برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی است تعداد روز افزونی از جمعیت از این موهبت برخوردار می‌شوند. پیشرفتهای اقتصادی - اجتماعی نه تنها موجب کاهش مرگ و میر کودکان بلکه سبب کاهش قابل ملاحظه‌ای در میزان مرگ و میر افراد سالمند، به کمک تکنولوژی مدرن گردیده و به روند تصاعدی سائوردگی جمعیت کمک کرده است. این پدیده و ادامه افزایش تعداد سالمندان با عوارض و پی‌آمدهای اقتصادی - اجتماعی و بهداشتی قابل ملاحظه‌ای همراه است. که اهمیت آن هنوز از طرف برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان مسایل اجتماعی بنحو شایسته‌ای مورد توجه قرار نگرفته است.

طبق تخمین سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۵۰ تقریباً ۲۰۰ میلیون سالمند ۶۰ سال به بالا در سرتاسر جهان وجود داشت در سال ۱۹۷۵ این رقم به ۳۵۰ میلیون نفر افزایش یافت. آینده‌نگری جمعیتی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۵ نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۰ میلادی تعداد آنان به ۵۹۰ میلیون نفر خواهد رسید و تا سال ۲۰۲۵ از مرز یک میلیارد و یکصد میلیون نفر تجاوز خواهد کرد که افزایشی در حدود ۲۲۴ درصد می‌باشد. درحالی‌که در همین فاصله زمانی انتظار می‌رود جمعیت کل جهان از ۴/۱ میلیارد در سال ۱۹۷۵ به ۸/۲ میلیارد برسد؛ یعنی افزایشی معادل ۱۰۲ درصد. بدین ترتیب میزان رشد جمعیت سالمند به مراتب سریع‌تر از رشد کل جمعیت در جهان است. به‌علاوه در کشورهای درحال توسعه نه تنها به تعداد افراد سالمند به سرعت افزوده می‌شود بلکه خود جمعیت سالمند نیز به موازات بالا رفتن میزان امید زندگی روز بروز پیرتر می‌شود.

طبق آخرین آینده‌نگری سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۵ یک نفر از هر یازده نفر جمعیت جهان

حداقل شصت سال داشته‌اند و تا سال ۲۰۲۵ این رقم به یک نفر در هر بیست نفر خواهد رسید که  $\frac{2}{3}$  آن مربوط به کشورهای آسیایی و اقیانوسیه خواهد بود.

با وجود اینکه جمعیت ایران هنوز جمعیت جوانی است معه‌ذا کاهش سریع در میزان مرگ میرها، باعث شده است که میزان امید زندگی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته و به رقم مطلق سالمندان به‌طور روزافزونی افزوده شود و با کاهش میزان موالید به رقم نسبی جمعیت سالمند کشور نیز مرتباً افزوده خواهد شد. طبق برآورد مرکز اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۷۵ در حدود سه میلیون و هفتصد هزار سالمند شصت سال به بالا وجود دارد و داده‌های آماری سرشماری سالهای گذشته نیز روند صعودی متوالی را نشان می‌دهد.

برابر داده‌های سرشماری، تعداد کودکان ۵-۴ ساله از  $9/044/840$  نفر در سال ۱۳۶۵ به  $8/141/085$  نفر در سال ۱۳۷۰ کاهش یافته و تعداد سالمندان از  $1/186/470$  نفر در سال ۱۳۶۷ به  $1/501/718$  نفر در سال ۱۳۷۰ افزایش یافته است.

افزایش تعداد سالمندان با تغییراتی در ساختار سنی جمعیت همراه است، کاهش نسبی کودکان کشور موجب افزایش نسبی سالمندان در کل جمعیت می‌گردد طبق آینده‌نگری سازمان ملل متحد، جمعیت زیر پانزده سال در کشورهای در حال توسعه از متوسط ۴۱ درصد در سال ۱۹۷۵ به ۳۳ درصد در سال ۲۰۰۰ و ۱۲ درصد در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید و انتظار می‌رود در همین مناطق رقم نسبی سالمندان از متوسط ۶ درصد در سال ۱۹۷۵ به ۷ درصد در سال ۲۰۰۰ و ۱۲ درصد در سال ۲۰۲۵ برسد.

تظاهرات عمده این روند افزایش در نسبت جمعیت ۶۰ سال به بالا و کاهش در تعداد افرادی است که از نظر اقتصادی مولد و فعال می‌باشند و مراقبت از آنان را به‌عهده دارند این امر در توسعه همه کشورهای اعم از پیشرفته و یا در حال توسعه صرف نظر از ساختار اجتماعی، سنتها و ترتیبات مربوط به تأمین اجتماعی‌شان تأثیر خواهد گذاشت. کشورهایی که دارای نظام پیشرفته تأمین اجتماعی هستند برای حفظ و ادامه پرداخت‌های مالی فزاینده سالمندان و مستمری بازنشستگان و کودکان وابسته و تضمین تعلیم و آموزش نسل جوان باید به قدرت اقتصادی و تولیدی کشور متکی باشد.

در کشورهایی که سالمندان به‌طور سنتی از مراقبت و حمایت خویشاوندان نزدیک بهره‌مند بودند ممکن است مسایلی با ماهیت اجتماعی بروز کند چون حفظ این روابط سنتی با افزایش تعداد سالمندان وابسته درحالی‌که ساختار مراقبین سنتی سالمندان مانند خانواده‌های گسترده (چند نسلی) نیز دستخوش تغییر و تحول بنیادی است روزه‌روز مشکل‌تر خواهد شد.

با بدتر شدن نسبت وابستگی، حتی تضمین حداقل امنیت مالی سالمندان که ظرفیت کاری آنان کاهش یافته است بویژه در مناطق روستایی کم درآمد، که هم اکنون با موج مهاجرت قشر جوان و فعال مواجه اند حادث تر خواهد شد و آینده نامطمئن تری را برای سالمندانی که تنها در روستا رها شده اند رقم خواهد زد و در یک دور باطل محرومیت بیشتر، شانسه‌ها و انگیزه‌ها برای سرمایه گذاری در کشاورزی و خدمات مربوط به بخش عمومی که ممکن بود افراد باقیمانده در روستا از آن منتفع شوند تقلیل خواهد یافت.

نکته دیگری که در این زمینه اهمیت دارد مسأله بهداشت و رفاه سالمندان است. در بیشتر کشورهای جهان مسأله بالا رفتن هزینه خدمات بهداشتی به موازات نیاز به فراهم کردن خدمات برای تعداد روزافزونی از سالمندان پیچیده تر شده است. اکثر کشورهای در حال توسعه و همین طور کشورهای پیشرفته صنعتی ناچار خواهند شد اولویت بیشتری را به طرح ریزی خدمات بهداشتی و اجتماعی سالمندان بدهند تا فراهم بودن خدمات را برای کسانی که به آن نیاز دارند به حداکثر، و باز اقتصادی آنها به حداقل برسانند. طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی در فاصله سالهای ۱۹۸۲-۱۹۵۰، درصد بالایی از نیاز به استفاده از خدمات بهداشتی در مقایسه با کل جمعیت مربوط به سالمندان بوده است. دفعات و تعداد مراجعات به پزشک و وقوع بیماریها در نزد سالمندان به مراتب بیشتر است و همین طور تعداد پذیرش سالمندان در بیمارستانها زیاد و مدت بستری شدن آنان طولانی تر است. برابر گزارش انستیتوی ملی سالمندان آمریکا در سال ۱۹۸۴، با وجود اینکه ۱۲ درصد جمعیت ایالات متحده در سنین بالاتر از ۶۵ سالگی قرار داشتند، ولی این گروه، ۴۴ درصد از وقت پزشکان و ۲۵ درصد داروهای تجویز شده و ۴۰ درصد از پذیرش بیمارستانی مربوط به بیماریهای حاد را به خود اختصاص داده بودند و چون بیش از هشتاد درصد افراد در سنین بالای ۶۵ سالگی معمولاً از یک نوع بیماری مزمن رنج می‌برند، مصرف کنندگان خدمات درمانی روز به روز بیشتر خواهد شد.

از آنجایی که سالخوردگی فراگردی همگانی است و در کل دوران زندگی ادامه دارد آماده ساختن کل جمعیت برای دوران سالخوردگی باید جنبه تفکیک ناپذیری از سیاستهای توسعه اقتصادی - اجتماعی باشد و با مساعی زیادی در کلیه سطوح کشوری، محلی، خانوادگی و فردی توأم گردد شیوه برخورد با این مسأله نیز باید جامع و توسعه‌ای بوده و همه جنبه‌های حیاتی را که تعیین کننده کیفیت زندگی سالمندان می‌باشد از جمله مشارکت آنان در امر توسعه را شامل گردد. جنبه‌های حیاتی این فراگرد عبارتند از امنیت اقتصادی و مالی سالمندان، حفظ سلامتی و آموزش مداوم. و این ملاحظات چهارچوب کلی را

برای اقدام دولتها در مسأله سالمندان فراهم می‌نماید. افرادی که در سنین متوسط زندگی هستند سالمندان فردا را تشکیل می‌دهند. ضمن مطالعات متعدد در نقاط مختلف جهان نشان داده شده است که اگر افراد در سنین پایین‌تر به خوبی آماده شده باشند وقتی که به سن پیری می‌رسند می‌توانند برای مدت طولانی‌تری به صورت (سالمندان جوان) باقی مانده و به‌عنوان یک شهروند فعال و مولد به زندگی خود ادامه دهند و این درست همان چیزی است که کشورهای پیشرفته امروزی شروع به درک آن کرده‌اند؛ و اطلاعات وسیعی مربوط به یک سلسله تغییرات اجتماعی مورد نیاز در این زمینه تحصیل شده است. به‌علاوه داده‌های آماری نشان می‌دهد که بخش مهمی از قشر سالمند جامعه از لحاظ جسمی سالم و از نظر اقتصادی کاملاً فعال هستند و به‌منزله سرمایه پرارزشی برای کشور محسوب می‌شوند ولی برنامه‌های موجود و نظام بوروکراتیک بازنشستگی در بیشتر موارد به آنان اجازه ورود به نیروی کار را نمی‌دهد. درحالی که این افراد سی - چهل سال از زندگی خود را در انجام نوعی وظایف شغلی مختلف گذرانده‌اند و دارای تجربیات غنی و انواع استعدادها هستند.

در بخش خصوصی صاحبان حرف در بین ۷۰-۶۰ سالگی و بعضاً بالاتر به‌طور استثنایی به شایستگی و تجربه زیاد مشخص می‌شوند مانند پزشکان، مهندسين، حقوقدانان و مدیران بازرگانی و غیره و حتی در مناطق روستایی نیز صاحبان زمینهای کشاورزی در مزارع خود جز در مورد کارهای خیلی سخت، کماکان به کار ادامه می‌دهند نه نیازهای آنان با افراد میانسال دیگر متفاوت است و نه به حمایت‌های اقتصادی - اجتماعی خاصی احتیاج دارند و با برنامه‌ریزی صحیح می‌توان این قشر از جمعیت را به بستر جریانات اصلی جامعه برگرداند و در امور مربوط به توسعه، هم در شهر و هم در روستا از وجودشان استفاده کرد. این افراد می‌توانند و برای احتراز از پی‌آمدهای نامطلوب سالخوردگی جمعیت باید با آموزشهای مداوم و بازآموزیها و تمهیدات دیگر متناسب با انتظارات و توقعات فزاینده شغلی‌شان و جریان تغییرات تکنولوژیک به جریان اصلی فراگرد توسعه برگردانده شوند. این شیوه برخورد با مسأله حتی اگر به صورت داوطلبی نیز باشد نه تنها این احساس را در سالمندان به‌وجود می‌آورد که مورد خواست جامعه می‌باشند بلکه از بروز بعضی اختلالات جسمی و روانی که حاصل انزوا و عدم پذیرش جامعه می‌باشد جلوگیری خواهد کرد و هر نوع ملاحظاتی با این شیوه برخورد از بار کشور برای مراقبت از سالمندان که روزبروز سنگین‌تر می‌شود خواهد کاست و مراقبت‌ها محدود به سالمندان معلول جسمی و روانی و سالمندان در سنین (پیر - پیر) خواهد شد.

کنفرانس بین‌المللی وین در سال ۱۹۸۲ در اصول طرح عملیاتی مربوط به سالمندان، تأکید می‌کند که

هدف توسعه بهبود بخشیدن به رفاه و تندرستی کل جمعیت براساس مشارکت کامل آنان در فراگرد توسعه و توزیع منافع حاصله از آن است. فراگرد توسعه باید به شأن و مقام انسانها بیافزاید و مساوات را از نظر سهم کردن در منابع، حقوق و مسؤولیتهای جامعه در بین همه گروههای سنی تضمین نماید و افراد صرف نظر از سن و جنس و عقیده باید در حد توان خود به این فراگرد کمک نمایند و بر طبق نیازهای خود از آن منتفع گردند. در این مفهوم رشد اقتصادی، اشتغال، عدالت اجتماعی و همبستگی انسانی و همینطور پذیرش و شناسایی هویت فرهنگی، عناصر بنیادی و غیرقابل تفکیک توسعه هستند و اضافه می‌نماید که مسایل مختلف سالمندان می‌تواند تحت شرایط صلح، امنیت، توقف مسابقات تسلیحاتی و به کار انداختن منابع در جهت نیازهای اقتصادی و اجتماعی به‌جای مصارف نظامی، بهتر قابل حل می‌باشد.

کنفرانس بین‌المللی جمعیت که در سال ۱۹۸۴ در مکزیکوسیتی تشکیل گردید با توجه به این واقعیت‌ها توصیه کرد که دولتها قشر سالمند جامعه را نه به‌عنوان یک گروه جمعیتی وابسته، بلکه باید به‌عنوان گروهی که تاکنون کمکهای زیادی به زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده خود و جامعه کرده‌اند و هنوز هم می‌توانند به این کمکهای پرارزش ادامه دهند مورد توجه قرار دهد.

همین‌طور در چهارمین کنفرانس آسیایی که در سال ۱۹۹۲ در جزیره مالی تشکیل گردید شرکت‌کنندگان با اشاره به توان بالقوه سالمندان در کمک به جامعه تأکید کردند که سیاستهای آمادگی در همه دوران زندگی برای زمان سالخوردگی، وسیله‌ای برای نیل به این هدف می‌باشد و ضمن اذعان به این حقیقت که در اکثر موارد خانواده‌ها هستند که از سالمندان حمایت می‌کنند توصیه کرد دولتها انگیزه اقتصادی مانند معافیت‌های مالیاتی و امتیازات دیگر را برای خانواده‌هایی که از سالمندان مراقبت می‌نمایند فراهم نماید.

در کنفرانس سران کشورها در زمینه توسعه اجتماعی که در سال ۱۹۹۵ در کپنهاک تشکیل گردید سران کشورها ضمن تصویب طرح عملیاتی توسعه اجتماعی توصیه کردند که دولتها مساعی خاصی را در حمایت از افراد سالمند بویژه سالمندان معلول از طریق تقویت نظام حمایت خانوادگی، ایجاد بهبود در موقعیت اجتماعی سالمندان در جامعه، تضمین دسترسی آنان به خدمات اساسی و فراهم کردن امنیت مالی و ایجاد جو امن اقتصادی که مردم را برای پس‌انداز برای پیری تشویق می‌نمایند، به‌عمل آورند و تا جایی که ممکن است مشارکت متقابل نسل‌ها را در سیاستگذاری و تنظیم برنامه و تصمیم‌گیریها حمایت کرده و آنرا ترویج نماید.